

پروژه علمی  
سال هفتم علوم - نانی  
ایران‌شناسی

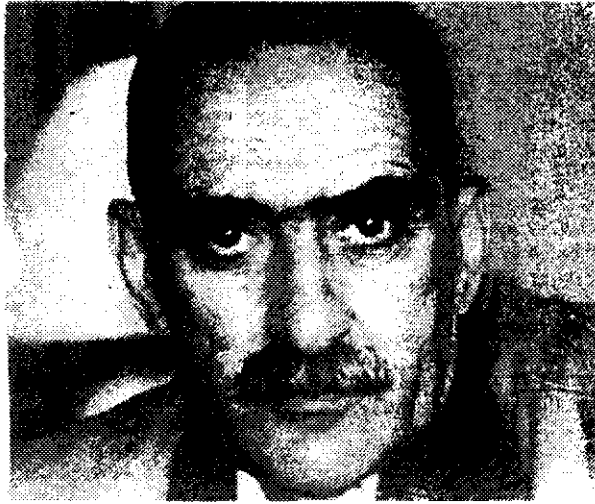
- تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی / ایرج افشار
- چند کتاب تازه دربارهٔ اسلام و ایران / ع. روح‌بخشان

۵۷۸ - درگذشت ایلیا گرشویچ

ایلیا گرشویچ متولد ۱۹۱۴ در اردی‌بهشت امسال (۱۱ آوریل ۲۰۰۱) درگذشت. مدرس نامدار رشته ایران‌شناسی در دانشگاه کمبریج (انگلستان) بود. متخصص زبانهای ایرانی و فرهنگ ایران باستان بود. از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۵ عنوان University lectures و از ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۲ که بازنشسته شد عنوان Readers و از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۲ عنوان College lectures در مطالعات ایرانی داشت. پس از بازنشستگی چند سال را در بخش عالی مطالعاتی دانشگاه پرینستون (امریکا) گذراند.

گرشویچ سفرهایی هم به ایران آمده بود. از جمله یک بار به قصد مطالعه در گویش بلوچی ساکنان رودبار بشاگرد (بلوچستان) بود. در آن سالها (حدود چهار سال پیش) رسیدن به تپه ماهورهای آن منطقه کار آسانی نبود. او قسمتهای زیادی از منطقه را بر پشت جَمَازَه (نوعی شتر باریک اندام تندرو) در آن قلمرو سفر کرد. شرح مربوط به آن گویش را در مقاله‌ای نوشت و در جشن‌نامه هیننگ منتشر ساخت.

از گرشویچ چند کتاب تحقیقی مورد وثوق و چندین مقاله معتبر شناخته شده بر جای است. از نوشته‌های اساسی از و چیزی به زبان فارسی نقل نشده، ناچار به مناسبت تخصصی بودن



ایرج افشار

کارهایش علاقه‌مندان معدود، همیشه به زبان اصلی مراجعه می‌کنند. پدر و مادر او روسی بودند که از بد حادثه انقلاب به سوئیس پناه برده بودند و ایلیا در سوئیس متولد شده بود.

### ۵۷۹- درگذشت دامن نیل ماکنزی

ماکنزی انگلیسی استاد ایرانشناسی در دانشگاه گوتینگن (آلمان) در اواخر مهر ۱۳۸۰ درگذشت. او از شاگردان برجسته و ب. هنینگ بود و در زبان پهلوی از ناموران. فرهنگ مختصری که درباره آن زبان منتشر کرد هنوز فرهنگ معیار و رایج برای زبان مذکور میان ایرانشناسان است. او در زبانهای پشتو و کردی و سغدی مقالات متعدد دارد. درگذشت او به فاصله نسبتاً کوتاهی از وفات گرشویچ روی داد و بالتیجه امسال دو تن از برجستگان رشته ایرانشناسی از میان رفتند.

مک کنزی از سال ۱۹۵۴ به نشر مقالات علمی درباره فرهنگ ایران باستان پرداخت. نوشته‌های او را در اغلب مجله‌های مهم شرق‌شناسی و مجموعه‌های مربوط به ایران باستان که به صورت جشن‌نامه - یادنامه - کنگره‌نامه انتشار یافته‌اند می‌توان دید. دانشمندی پرکار و دقیق و مبتکر بود.

محمد اسلم خان استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه دهلی امسال درگذشت. این خیر غمناک را در مهر ماه ۱۳۸۰ از دکتر امیرحسین عابدی که استاد او بود شنیدیم. محمد اسلم خان فارسی را خوب و شیرین صحبت می‌کرد. در شناخت ظرائف و دقایق زبان دقیق و موشکاف بود. از آخرین کارهای او اهمی‌امی بود که در تجدید طبع مقالات هادی حسن مبذول داشت. این چاپ توسط موقوفات دکتر محمود افشار در طهران سرانجام گرفت و محمداسلم خان بر آن مقدمه‌ای نوشت.

### ۵۸۱ - درگذشت ایرانشناس ژاپونی خیرآبادی

موریو اونو M. Ono ژاپنی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه توکیو درگذشت. متولد ۱۹۲۵ بود و در ماه فروردین امسال وفات کرد. شهرت او به مناسبت تحقیقات و مطالعاتی بود که دربارهٔ مسائل ملک‌داری و ده‌شناسی و مباحث قنات و کشاورزی ایران انجام داده بود. درین زمینه شهرت خوبی در میان ایران‌شناسان معاصرشناس یافته بود. در مملکت خودش قرین اوکاواکی بود.

۶۵

او سالهایی چند در ایران زیست. برای آنکه دل بستگی یافته بود که در موضوع زمین‌داری و اصلاحات ارضی و حرکات جدیدی که در زمینهٔ زندگی نوین روستائیان در حال انجام شدن بود آگاه شود. مدتی در خیرآباد نزدیک شیراز زندگی می‌کرد و با دهقانان و ساکنان آنجا «أخت» شده بود. توانسته بود چم و خم زندگی درونی آنها را بشناسد. همان سالها برای او بهترین موقعیت را پیش آورد که یادداشتهای عمیق و راستین دربارهٔ زندگی روستائیان خیرآباد فراهم کند، نتیجهٔ آن مطالعات کتاب نام‌آور خیرآبادست که به زبان ژاپونی انتشار یافت و دکتر هاشم رجب‌زاده تحریر فارسی آن را انجام داد. این کتاب در سلسلهٔ انتشارات دانشگاه تهران نشر شد. از و چند کتاب و چندین مقاله چاپ شده در دست است.

### ۵۸۲ - باورق

یکی از نکته‌های مهم که در شناخت قواعد فنی نسخه‌های خطی بی‌اهمیت نیست توجه داشتن به یک یا دو کلمه‌ای است که کاتبان معمولاً بطور مورّب زیر آخرین سطر صفحهٔ دست راست و بر منتهای الیه آن سطر می‌نوشته‌اند. آن یک یا دو کلمه همان کلماتی است که در آغاز نخستین بیت صفحهٔ روبرو (دست چپ) قرار دارد. نوشتن این کلمات برای آن بوده است که رابطهٔ میان دو صفحه مربوط به هم مشخص باشد. این کار در مواردی رایج بوده است که رسم

شماره گذاری بر بالا یا پائین صفحات میان نسخه برداران قدیم شناخته شده نبود. اصطلاحی که معمولاً برای این کلمات شناخته شده کلمه رکابه است (Catch word). ولی در دوره صفوی آن را «پاورق» می‌گفته‌اند به گواهی استعمال آن در شعر تأثیر تبریزی: زربط پاورق در نسخه‌ها معلوم می‌گردد که نظم کاینات از دولت افتادگان باشد (ص ۷۵۳)

مشو میانجی مردم به کارها زنهار که همچو پاورقت پایمال می‌سازند. (ص ۷۵۳)

این روزها که ترجمه سرگذشت ژیل بلاس به قلم شاهکار ساز نثر فارسی، میرزا حبیب اصفهانی را می‌خواندم دیدم آن ادیب سخن سنج اصطلاح شناس این اصطلاح را که حتماً در عهد او مستعمل و شناخته بوده است به کار گرفته و نوشته است «پای ورق یا سر صحیفه مطابق نیامد». (در صفحه ۳۳۹ چاپ جدید توسط غلامحسین میرزا صالح).

#### ۵۸۳ - یادگار زریران

بیژن غیبی چند سال پیش ترجمه‌ای از یادگار زریران در آلمان انتشار داد و چون حاوی یادداشتها و بازبینی‌های تازه اندیشانه بود با اجازه ایشان در دوازدهمین «دفتر پژوهشهای ایرانشناسی» (نامواره دکتر محمود افشار) تجدید چاپ شد.

اخیراً نامه‌ای از پرفسور ژاک دوشن گیمن J. Duschesne -- Guillemin استاد نامور و دیرینه سال دانشگاه لیژ دریافت کردم که حکایت از دیدن آن ترجمه در نامواره داشت. نوشته است ترجمه یادگار زریران مرا طراوت بخشید. من ترجمه این رساله را در سال ۱۹۳۲ خوانده بودم (ترجمه بنونیست) و او اظهار کرده بود حماسه‌ای به شعرست. اکنون می‌بینم نظر او که دنبال کردن درستی ندارد.

بیژن غیبی اخیراً ترجمه خود را با تجدید نظر در آلمان انتشار داده است.

#### ۵۸۴ - Acta Iranica

دوشن گیمن در نامه خود نوشته است Acta Iranica ادامه دارد و جلدهای ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ آن حاوی اکتشافات و حفريات باستانشناسی ایران است که توسط وان دنبرگ Vanden Berghe انجام شده است. دوشن گیمن سی و چهارمین مجلد را به نام همسر خود که از متخصصان تاریخ موسیقی بود موسوم کرده است.

## ۵۸۵ - توده، پرسشی از جناب رواقی

لغت‌شناس گرامی آقای علی رواقی در مقاله‌ای مرقوم داشته‌اند کشف الاسرار میبیدی مربوط به حوزه هرات است چون واژگان هروی بسیار دارد. تبخّر و توغل ایشان به من اجازه می‌دهد بهرسم واژه توده (به جای ارضه = موریانه) آیا مربوط به همان پهنه است، یا اگر به حوزه دیگری مرتبط است آن کدام است و آبشخور آن از کجا است. آیا رشیدالدین آن واژه را از حافظه و الفاظی که از کودکی فراگرفته بوده است آورده و یا از منابعی که خوانده بوده است.

## ۵۸۶ - آرشیف ملی افغانستان

«آرشیف ملی افغانستان» چه سرنوشتی یافته است نمی‌دانم. در مؤسسه الفرقان (لندن) فهرستهای چاپ شده آنجا را دیدم. آنها یادگاری است که ایامی که کابل به ربیع و اطلال و دمن تبدیل نشده بود. چون این فهرستها در ایران مشهور نشده‌اند مشخصاتشان را می‌آورم.

(۱) فهرست نسخ خطی آرشیف ملی افغانستان. جلد اول. ترتیب‌کننده محمداعظم افضلی. کابل. جدی ۱۳۶۳. ۴۱۹ ص (۵۵۶ نسخه در آن طبق عنوان الفبایی کتاب معرفی شده است. از الف تا پایان جیم).

(۲) فهرست نسخ خطی آرشیف ملی افغانستان. جلد دوم بخش اول. ترتیب‌کنندگان محمداعظم افضلی و محمد انور نیر. کابل. جدی ۱۳۶۴. ۱۹۳ ص (نسخه‌ها از ۵۵۷ تا ۷۵۷. که به دلایل الخیرات خاتمه یافته).

(۳) فهرست نسخ خطی آرشیف ملی افغانستان. جلد دوم بخش دوم. ترتیب‌کنندگان محمداعظم افضلی و محمد انور نیر. کابل. ۱۳۶۷. ۳۳۰ ص. (نسخه‌ها از ۷۵۸ تا ۱۰۵۰ ذیل عنوان ذکر عاشقان و صادقان).

(۴) فهرست قرآنها شریف خطی آرشیف ملی افغانستان. جلد اول. نویسنده عبدالقدیر مشتری نجرابی. کابل. ۱۳۶۳. (۳۳۰ نسخه قران کابل یا سی جزو).

آنچه موجب جلب توجه شد اصطلاحاتی است که برای شناساندن کاغذ نسخه‌ها در آن به کار برده‌اند. در فهرست مربوط به قرآنها نامهای سمرقندی، هندی، کشمیری، خراسانی، خوقندی، خان بالغ، ترکستانی، هندی مانند، ابره برده شده. در فهرستهای دیگر نامهای ماوراءالنهری و فرنگی هم دیده می‌شود.

## ۵۸۷ - چاپ سنگی در کاشان

زمانی که چاپ سنگی رواج داشت بهترین سنگ برای چاپ از کاشان به تهران آورده می‌شد.

نفاذ فی سبب  
رشاش در حجاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَكَتَبَهُ اللَّهُ عَلَى عَدْلِهِمْ وَخَالِفِهِمْ  
 وَيُسَائِدِيهِمْ وَيُسَكِّرِي ضَلَالَاتِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدًا لَا يَبِيدُ  
 إِلَّا مَا عُدَّ جَنِينَ كَوَيْدُهُ شَرِيهٌ ضَعِيفَانِ يَجْرِي فِيهِمْ  
 التَّرَاقِي الكاشان محمدجعفر الشريف عفى الله عنهم  
 چون از بد و غیر ناگون کسنته فرار رود و بسبب و مضاد  
 هجر است بمقتضای شوق که از روز اول و غیرین بر کوز  
 داشته بویستد در شناختن خود و خدای خود بر کربا کارگاه  
 او وقت آوردن وظایف بندگی او در هر شالی سعی طبع باقصای  
 میدارد بداشتم احدی که در هیچ سال از ذکر گذارند از این احد  
 علیه اظهار کارش اینطالع معتبر در رساله و در دفتر بیخ  
 نیز تا خورده خورده از یادش مذاکره اینطالع بتبیین

● مطبع البدایع کاشان

و مؤمن السلطان سرکار محمد حسن خان حاکم  
 مدینه الایمان کاشان ادام الله دولته و حکومته  
 از آنجا که فطرت و طبیعت نیکو طویش بویستد  
 مجبول بر سبب آفادات سر با سعادتان علما و  
 فضلاء و همت و لافتمش هماره میدارد بر بدت  
 و انتشار صنایع آریاب فطنت و ذکا است  
 لهذا حسب الحکم خدیوستان رساله شریفه محتمه  
 الیالفه که از صنایع طبع و فادین کربیه رب  
 عباد و سراج و هانج صنایع ایشان در حق العلماء  
 و المحققین و اسوه الفقهاء و المجتهدین عارف  
 عالم دقیق مزیده امل تحقیق سرچشمه علوی  
 ربانی و منبع فیض حق سبحانی منظوم نظر  
 خداوند اکبر و مرجع شریعت سید البشر  
 مولانا ملا محمد جعفر جلاله آیام شهره با الباعن  
 العکبره الخیرین زان فانی اندین الانام الی یوم الحوق  
 میباشد در مطبع البدایع کاشان سمع انطباع  
 بدیروفت فی شهر شعبان المعظم شهره ۱۲۷۳

اما خبر از وجود چاپ سنگی در خود کاشان نداشتیم. درین اواخر از دوست فاضل خود آقای حسن عاطفی درین باره سوالی کردم. ایشان به من خبر دادند رساله حجة البالغه تألیف ملا محمدجعفر نراقی در مطبع البدایع کاشان به سال ۱۲۷۳ چاپ شده بوده است. عکس یک صفحه آن برای اطلاع علاقه مندان چاپ می شود.

۵۸۸ - اشپرنگر و نسخه های خطی

در سال ۱۸۵۴. اشپرنگر A. Sprenger جلد اول فهرست نسخه های خطی کتابخانه های پادشاه اوده (هند) را در کلکته انتشار داد. آن فهرست از جمله کتابهایی است که حکم کبریت احمر یافته است. پس نسخه اش به دشواری دستیاب بود. من هیچ نمی دانستم که در سال ۱۹۷۹ در آلمان در شهر Onabruck تجدید طبع شده است توسط انتشارات Biblio. درین فهرست ۵۷۸ نسخه فارسی (تذکره و شعر) معرفی شده است. اشپرنگر در فهرست نگاری خوش سلیقه بود. خوب می دانست که درباره هر کتابی چه اندازه

باید نوشت. هنری است که در فهرست نگاری اهمیت شایان دارد. مثلاً در آن اوقات چون هنوز متن لیاب الالیاب به چاپ نرسیده بود نام یکصد و یازده شاعری را که در آن کتاب آمده است نقل کرده است، اما دربارهٔ بهارستان جامی بیش از نه سطر ندارد. زیرا چند بار در کشورهای مختلف طبع شده بود.

مقصود نقد و بررسی فهرست مذکور نیست. هر فهرستی هر چند که مختصر و بی قاعده و کهنه باشد واجد فوایدی است و به درد خور است. درین جا می خواهم اطلاعات مربوط به بعضی از نسخه های آن فهرست و آن کتابخانه را در دسترس علاقه مندان بگذارم، کتابهایی که کمتر از آنها خبر داریم و کتابهایی که ضرورت دارد به چاپ برسد.

— سجنجل الارواح از قاضی میرحسین میبیدی.

— نسخه خلاصهٔ تقی الدین کاشی حاوی اشعار ۶۵۷ شاعر

— نفاس المآثر تذکرهٔ تألیف کامی قزوینی.

— خزینهٔ گنج الهی تألیف عمادالدین محمود حسین الهی.

— تذکرهٔ یوسف علی خان که از مفصل ترین تذکره های فارسی در هندست. درین تذکره به جای اصطلاح اردو همه جا «ریخته» ذکر شده است.

— کلیات انوری مورخ ۶۹۲.

کتابخانهٔ پادشاهی لکنو در قصر قدیم پورانا دولتنخانه نگاه داری می شد. در زمان نگارش فهرست کتابخانه به سه بخش شده بود. سه هزار جلد نسخه های مهم ادبی در قصر متی محل و نسخه های زیبا که هزار عدد می شد در قصر فرح بخش بود. کتابخانه دارای داروغه بود (مسئول کتابخانه). این کتابها بعداً به غارت می رود. سومین بخش از کتابخانه در ساختمان توپخانه نگاه داری می شد و در صندوقها بوده است.

## ۵۸۹- ایران و تغییر ریخت

از محمد توکلی طرّوق نام آبادی زیبایی نزدیک نظنزیست) استاد تاریخ ایران در امریکا (دانشگاه دولتی ایلینوی) کتابی با نام Occidentalism and Refashioning: Orientation (St. Antonyn Series) در انگلیس جزو سلسلهٔ انتشارات کالج سنت آنتونی (از کالجهای مشهور دانشگاه اکسفورد) انتشار یافته است (۲۰۰۱).

این کتاب با اقران خود فرق دارد. دربارهٔ تجدد ایران، نوگرایی ایران و مفاهیمی ازین قبیل چندین کتاب مخصوصاً توسط ایرانیان تألیف و نشر شده است. دید و راه توکلی درین کتاب با



نوشته‌های پیش از آن متفاوت است زیرا او مآخذی را که دیگران بدانها توجه نداشته‌اند مخصوصاً نوشته‌های فارسی در هند را مورد توجه قرار داده است. در حقیقت هند را برای ایران دروازه‌ای دانسته است که آشنایی با غرب و تقلید و اکتساب از غرب در آن سرزمین آسان بوده است.

حتماً باید پذیرفت که قسمتی از مبانی شرق‌شناسی خاص ایران‌شناسی در هند پا گرفت و کوشش‌های جونز و ناسولیس و بعضی از هندیان مانند نولکشور در آن زمینه بسیار مؤثر بود. نکته‌ای که گفتنی است این است که آشنایی ما با غرب سابقه‌ای قدیمتر از عصر صفوی دارد. اگر در عصر صفوی اطلاعات ما از غرب بیشتر جنبه بازرگانی و نظامی داشت در عصر مغل متن مهمی مانند تاریخ افرنج تألیف خواجه رشیدالدین فضل‌الله تألیف شده بود و اهل فضل و کمال که جویای علم جغرافیا و تاریخ بودند به آسانی می‌توانستند از آن سرچشمه بهره‌ور شوند. حتی دلبران فرنگی هم برای شاعری مثل ظهیر قاریابی شناخته‌بوده‌اند. در شعری گفته است:

گرفتارم به دام چین عنبرین موئی      فرنگی زاده شوخی دلبری زنار گیسویی

نکته دیگر آن است که میان شرق‌شناسی اروپائیان با فرنگ‌شناسی ایرانیان فرق از زمین است تا آسمان. شرق‌شناسان واقعی (نه سیاحان و گزارشگران) نظرشان به نصوص و متون و کشف مشکلات زبانی و معرفتی و فلسفی و بررسی کتیبه‌های ناشناخته و گذشته ملل شرق بود. ولی همه کنجکاوان ایرانی که درباره مغرب (فرنگ) مطلبی نوشته‌اند نظرشان به وضع روز و طرز زندگی و غرائب تمدنی موجود آنها بود. ایرانیها نه در پی شناخت زبان و ادبیات مفقود یا موجود آن ملت‌ها بودند و نه در صدد شناساندن آنچه به معرفت و تاریخ آنها مرتبط می‌شد. ما شرقیان غرب‌شناس نداشته‌ایم. همه در پی غرب گردی بوده‌اند و ظواهر آن تمدن را دیده‌اند. اگر دارمستتر از زند و پازند برای مردم همزبان خود سخن می‌گفت فارسی زبانان فرنگ دیده به وصف زیبا رویان و بازگو کردن عشو و کرشمه آنان پرداخته‌اند (در همان نوشته‌ها و اشعار هندیان مظاهر زیاد دارد).

محمد توکلی در نگارش کتاب خود عمده منابع فارسی و خارجی که دید ایرانیان را نسبت به غرب می‌نمایاند دیده است. او مفهوم ملت و وطن را از نگاه شاعر و روزنامه‌نویس از خلال نوشته‌های متجددان آن دو طبقه استخراج کرده است.

کتابی است ترجمه شدنی. زیرا باریک بینی دیگری است در مسائلی که جامعه و تاریخ یک قرن و نیم ایران را دگرگون کرده است.

این مؤسسه جزو دانشگاه کراچی است. مرحومان ممتاز حسن و پیرحسام الدین راشدی مبتکر تأسیس آن بودند (سال ۱۹۸۶). به درستی دکتر ریاض الاسلام را به مدیریت آن برگزیدند. این مؤسسه تاکنون پانزده کتاب نشر کرده است (مکتوبهای حسن شاملو (متن فارسی) - دیوان بایرام خان (متن فارسی) - تذکرة الشعراى جهانگیر - خاطرات مطربى سمرقندى (متن فارسی) - خوشنویسان تته (به انگلیسی) - مجمع الشعراى جهانگیر شاهى از قاطعى هروى (متن فارسی) - بحر الاسرار (سفرنامه فارسی) - اسناد روابط هند و ایران (دو جلد به انگلیسى از ریاض الاسلام) - نخستین و دومین خطابه برای خاطره راشدی - جامع التواریخ حسنى یزدى (متن فارسی) - خان خانان نامه (متن فارسی) - مثمر على خان آرزو (متن فارسی) - بیرام خان (به انگلیسى) - کمپانى هلندى هند شرقى (به انگلیسى) - سعادت نامه یا روزنامه غزوات هندوستان (متن فارسی) - آسیای مرکزی، تاریخ و سیاست و فرهنگ (به انگلیسى).

اکنون مؤسسه به طبع مجموعه مقالات حسام الدین راشدی و نامه‌های او مشغول است. دو متن فارسی که سال دیگر نشر خواهد شد عبارت است از «تواریخ بدیعه» که گفته‌اند بهترین تاریخ آسیای مرکزی است و دیگر مرآت الاصطلاح تألیف اندرام مخلص.

آخرین کتاب منتشر شده این مؤسسه نصرت‌نامه ترخان است تألیف سعید میرمحمدبن بایزید پورانی. این کتاب قدیمی‌ترین تاریخ سند به زبان فارسی است. مصحح کتاب انصار زاهدخان خود کتابی در تاریخ و فرهنگ سند دارد که دانشگاه کراچی در سال ۱۹۸۰ چاپ کرده است.

ازین متن بیش از یک نسخه شناخته نیست. طبعاً به این مناسبت اصلاح آن دشواریهای زیادی در بر دارد.

انتشار این گونه متون که به زبان فارسی متداول در صفحات هندوستان تألیف شده است برای تاریخ زبان فارسی اهمیت دارد و باید مفتتم شمرد. نقل چند سطر از آن برای خوانندگان بخارا خالی از تازگی نخواهد بود. بعضی از عباراتش برای ما دشوار فهم است.

«خاطر انوارش مایل به گفتن شعر نبود و اکثر اوقات وی به افاده و استفاده می‌گذشت و به صحبت علما و طلبه علم مایل بود. چنانچه طالب علمی را که رتبه ادنای بود در مجلس فردوس مانند ش بی‌منع حجاب بارگاه فلک اشتباه درمی‌آمد و اوقاتی که بریقاع خبر کرده بود در حلیت آن حسب المقدور کوشیده بود، چنانچه در نهرهایی که جهت قریات وقف کننده هر چند کلانتر آن مواضع درخواست کردند که به جهت آن مدد بفرستند قبول نفرمود و اجر به دستور سایر

رعایا و عجزه داده از دستوری ولایت دو وقت طعام موجه به ایشان تعیین کرده و به وفق و مداراکار فرمود و مزدوران از روی خوشحالی و انبساط تمام مشغول حضران نهار بودند و از بالای لشکر بابای حسن جوی کنده که اگر در سنگ خارا کنده به صحرای کاغنگ برده که مزروع سازد و رسول آباد نام کرده که حاصل آن در وجه معاش نادات عظام کرام واقع شود و به آن بقاع باغات و طاحونات و دکاکین و غیره وقف کرده... هر ساله در اول سنبله ملازمان آن سلطان شفقت شعار خیاطان قندهار را جمع ساخته جامه زمستانی از جامه فروحین جهت جمع ارباب و ظایف از وضع و شریف تیار می ساختند و قریب به هزار جامه پنبه دار دیگر دراز قد و میانه و قد لا (کذا) علی التعمین ترتیب می دادند و دو سه روز پیشتر از آن جا می رسانیدند که فقرا از ذکور و اثاث جمع شده در مدرسه در آیند و یک یک را جامه داده بیرون می کردند و اگر جامه کمی می کرد اسامی آن فقرا را نوشته بهای جامه از آن قدر وجوه می رسانیدند. (ص ۱۲۸).

#### ۵۹۱ - بارخانه عابدی

دکتر امیرحسن عابدی استاد بازنشسته دانشگاه دهلی چند روزی مهمان ایران بود. آمده بود که در کنفرانس گسترش زبان فارسی شرکت کند. او از نخستین تحصیل کردگان خارجی در دانشگاه طهران است و از همان اوقات میان ما آشنایی پیش آمد و به دوستی کشید. حدود چهل سال در دانشگاه دهلی به تدریس فارسی اشتغال داشت و کتابهای متعدد در زمینه ادبیات فارسی منتشر کرد. چند سال پیش دوستانش مجموعه مقالاتی به افتخار او به چاپ رساندند که «عابدی نامه» نام دارد.

او در سال ۱۹۲۱ در قاضی پور متولد شده است. در دانشگاه اگره تحصیل کرد و دکتری گرفت و سپس به ایران آمد و دکتری ادبیات فارسی دریافت کرد.

عابدی در سفر تازه، از راه لطف و دوستی دیرین چند کتاب از هند به ارمغان آورد، کتابهایی که ندیده بودم. پس مناسبت دارد نام آنها را برای آگاهی ادبای هموطن یادآور شوم:

درین بارخانه سه کتاب درباره غالب دهلوی بود هر سه از انتشارات «غالب انسی تیوط»: یکی غزلیات فارسی غالب (۲۵۵ تا) با ترجمه انگلیسی است که چاپ دومش در سال ۱۹۹۶ انجام شده است. برین کتاب نذیر احمد مقدمه ای به انگلیسی دارد. نام مترجم کتاب یوسف حسین است. کتاب دوم دیوان اردوی غالب بود (چاپ ۱۹۹۷) حاوی ۲۳۵ غزل و متفرقات. سومین کتاب ازین رسته «یادگار غالب» تألیف معروف الطاف حسین حالی در احوال و آثار غالب است که به قلم خوب و شیرین شریف حسین قاسمی رئیس بخش فارسی دانشگاه دهلی به فارسی

ترجمه شده است. اهمیت این کتاب بیشتر بدان است که حالی شاگرد غالب بوده است. از متون فارسی چاپ شده در هند ترجمه دو متن مشهور ادبی فکری هند «جوگ بشست» از آثار دوره داراشکوه و «پنجاکیانه» از آثار دوره اکبر پادشاه به همت امیرحسن عابدی و به اشراف و همکاری دکتر تاراچند سانسکریت شناس شادروان در سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳ چاپ شده بود. مترجم جوگ بشست شناخته نیست ولی نام مترجم پنجاکیانه مصطفی خالقداد عباسی است. به دنبال آن دو متن اینک «دریای اسمار» (ترجمه کتاسرت ساگر) را که هم از متون مهم سانسکریت بوده و مصطفی خالقداد عباسی در عصر اکبر به ترجمه فارسی رسانیده بود و مرحوم دکتر تاراچند به تصحیح آن اهتمام کرده بود، به سعی و همکاری دکتر عابدی انتشار یافته است. این سه کتاب مهم از ادبیات باستانی هند را می‌باید ناشران ایرانی با اجازه آقای عابدی در ایران نشر بدهند تا به دنبال مهابارات این آثار هم به دسترس علاقه‌مندان برسد.

متن مهم دیگری که امسال در هند چاپ شده بخش اول «لهجات سکندر شاهی و لطائف نامتناهی» است تألیف عمر سماء یحیی کابلی. تصحیح کننده متن دکتر سیده بلقیس فاطمه حسینی است. ناشر متن مرکز تحقیقات الحیات (در شهر بمبئی) است. کتاب در سال ۲۰۰۱ نشر شده است. این متن در هفت باب در دقائق و ظرائف و سازهای مربوط به موسیقی هندوستان و از عصر سلطان سکندر لودی (م ۹۳۲) است.

در سال ۱۹۹۴ انجمن غالب یادنامه‌ای برای فخرالدین علی احمد (رئیس جمهور هند) منتشر کرد که نذیر احمد ناظر بر آن بوده است. درین مجموعه چند مقاله با ایران مرتبط است.

– سفارتهای خطای و اویغور به دربار سلطان محمود (از نذیر احمد)

– شعر و ایده‌نولوژی حافظ (از مقبول حسن خان)

– کلمات زنده حافظ (از ا. ا. انصاری)

– تاریخ محمود شاهی چابی و افتادگیهای آن (از ضیاء الدین برنی)

– روابط تیموریان و سیدسلطان دهلی (از اشتیاق احمد ظلی)

– چند متن تاریخی فارسی کم شناخته مربوط به قرن نوزدهم (از شریف حسین قاسمی)

از جمله کتابهایی که مشتاق داشتند بودم و سالها بود در پی آن می‌گشتم کتاب شرح حال خان خانان و حلقه ادبی او به زبان انگلیسی بود.

این کتاب که در سال ۱۹۶۶ چاپ شده تألیف Chnotubhai Ranchhodji Naik است که سالها در دانشگاه احمدآباد گجرات استاد زبان فارسی بود.

عبدالرحیم خان خانان از سرداران عصر مغولی هند بود ولی در قلمرو ادبی مقامی عالی

داشت. بالاتر از همه اهمیتش به کتابخانه مشهوری بود که گردآوری کرده بود. قسمتی ازین کتاب به توصیف آن کتابخانه اختصاص دارد. نام کتاب چنین است.

AbdMr -- Rahim Khan -- i -- Khanan and his Literary Circle.

جناب عابدی، یادگاری هم از جانب کتابخانه خدابخش (پتنه) آورده است که مربوط می شود به تاریخ عصر صفوی و آن رساله ای است با نام

The Administration Structure of the Safavid Empire

این رساله به انگلیسی تألیف ف. حیدر است درباره تشکیلات اداری امپراطوری صفویان و در سال ۲۰۰۰ چاپ شده است.

کتابخانه و مرکز تحقیقات درگاه حضرت پیر محمدشاه در احمدآباد گجرات اخیراً به انتشار مجله ای فرهنگی و ادبی شروع کرده است که مقالات آن به دو زبان انگلیسی و اردو و نام اداره کننده مجله محی الدین بمبئی والاست.

Cultural and Litraray Activities in Gujrat.

به اردو نامش را «گجرات مین علمی و ادبی سرگرمیان» گذاشته اند. دومین شماره آن (جرنل ۲) به دستم رسید. مضامین مقالات اردو عبارت است از خدمات سادات شیوازی احمدآباد، علمای حدیث گجرات، شاعران پارسی سرای مدفون در احمدآباد، کتبه های درگاه پیر محمدشاه، سادات شاهی بخاری در گجرات، شیوع فارسی در گجرات. تذکره گلزار ابرار، اشعار چاپ نشده نظیری نیشابوری، چند شاعر ایرانی مقیم احمدآباد، منظرنامه، احمدآباد گجرات رشک خراسان، تقی الدین اوحدی، کتبه های فارسی و عربی احمدآباد در مدرسه و مسجد جامع آنجا، جامعه گجرات در قرن شانزدهم و ایرانیان آنجا، گروه های ایرانی فراموش شده در مهارشتر و بعضی ملاحظات مربوط به روابط ایران و هند و همه از مقالات به زبان انگلیسی است.

۷۴

## ۵۹۲ - فهرست مقالات فارسی

جوان مطلعی تلفن کرد و با صدای مطلوبی گفت من به گردآوری کتابشناسی ادیان مشغولم لذا می خواهم شما فهرستی را که از مقالات سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ تهیه کرده اید در اختیارم بگذارید. به همین سادگی و بی پیرایگی.

گفتم چند ماهی تحمل کنید تا جلد ششم فهرست مقالات فارسی منتشر شود و مانند پنج جلد پیشین در اختیارتان باشد. برای همین آن را چاپ می کنم که مورد استفاده باشد. اما در حین چاپ و درین سن و سال چگونه می توانم فیشهایم را در اختیارتان بگذارم.

استفاده کنندگان این گونه منابع تصور نمی‌کنند که من در طول شش سال هر روز دانه دانه مقاله‌ها را ازینجا و آنجا دیده و یادداشت کرده‌ام و آنان به یک ورق زدن از دهها و صدها مرجع آگاه می‌شوند. طبعاً تهیه کتابشناسی را کاری آسان می‌دانند و فرض هم می‌دانند که باید جعبه برگه‌ها به یک تقاضای معمولی را در اختیارشان گذاشت. ورنه حکم به ضنّت می‌کنند. دفعه اول نیست که این توقع را نتوانسته‌ام برآورده کنم. متأسفانه درست هم نمی‌توانم مشکل کار را توضیح بدهم. شرمنده‌ام.

### ۵۹۳- وقفنامه کتاب فقه زیدی

این روزها که رسیدگی به یادداشتهای خود درباره تاریخ کتابخانه‌های ایران می‌کردم متوجه شدم وقفنامه شاه سلطان حسین بر نسخه کتاب شفا تألیف حسین بن داعی الی الله محمد بن احمد بن یحیی در فقه زیدی مورخ ۱۰۶۲ را که در چهار صفحه به خط نسخ خوش بر اول نسخه کتابت شده و من متن آن را در راهنمای کتاب سال ۱۵ (۱۳۱۵): ۸۵۹-۸۶۲ چاپ کرده بودم درین سالهای اخیر در دو جای دیگر از روی مأخذ واحد دیگری چاپ شده. ولی آن مأخذ سوادی است ازین وقفنامه و آن مأخذ در مجموعه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی در قم مضبوط است.

تفاوت عمده‌ای که در وقفنامه نسخه شفا دیده می‌شود ذکر نام کتاب مورد وقف در متن وقفیه است. بنابراین هر یک از کتابهایی که بر آنجا وقف شده بوده می‌باید دارای همین وقفیه و ذکر نام کتاب بوده باشد. اما مشخصات آن دو مأخذ:

رضا مختاری - دو وقفنامه کتاب از عهد صفوی. وقف میراث جاویدان ۴ (۱۳۷۵) ش ۱: ۷۲-۷۵، دیگری از محمدباقر سجادی خوراسگانی - وقف کتاب در دوره صفوی، وقفنامه کتابخانه مدرسه چهارباغ اصفهان. آینه پژوهش ۷ (۱۳۷۵): ۱۲۳-۱۲۶.

### ۵۹۴- خط محمدطاهر میرزا

چندی پیش چند نسخه خطی برای فروش به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران عرضه شد. آنها مربوط به بقایای کتابخانه محمدطاهر میرزا جد خاندان اسکندری کنونی بود. چون محمدطاهر میرزا از ادبا و مترجمان معروف عصر خود بود و ترجمه‌های او از جمله کنت دو مونت کریستو شهرت بسیار دارد مناسب دیده شد نمونه‌ای از خطوط او که بر اوراق آن نسخه‌های خطی دیده شد برای اطلاع کسانی که احیاناً در نوشته‌های خود ذکری از او خواهند کرد آورده شود و از گوشه فراموش به صفحات بخارا منتقل گردد.

کر اینا که کتبه بجای آوردی زود او را بی همه دوری

تم با خسرو العاقبه در کوفه

طهران در محرم الحرام

۱۲۲۲

ع

ظلال

ع

تقدیرت الحمد لله العفو

المستوفی العودان

صاحب المادون

۱۲۷۰



محرم الحرام ۱۲۹۰

در روز ولادت طهران اسامع کعبه

دانا العبد القاصر محمد طاهر

سه نمونه از یادداشتهای محمد طاهر میرزا بر پشت کتابهای خطی

۵۹۵ - عزل ظل السلطان

میرزا مهدی خان غفاری (ملقب به آجودان مخصوص - وزیر همایون - قائم مقام (فرزند فرخ خان امین الدوله کاشی است. از غلام بیچگان و خدمتگزاران عصر ناصری و از رجال عصر مظفری و محمدعلی شاه بود و با امین السلطان دوستی قرص و قایم داشت و در دربار صاحب نفوذ و به مناسبت شوخ مشربی مورد توجه بود. او به وزارت های تجارت و پست و مقامات دیوانی رسید. در سفر سوم ناصرالدین شاه جزو ملتزمین سفر بود.

دوست گرامی بهرام غفاری نوه معاون الدوله، دفترچه یادداشتی از وزیر همایون در اختیار من گذارد که از جمله در آن شرحی درباره عزل ظل السلطان ضبط شده است. چون جنبه تاریخی دارد نقل آن را مناسب دید.

هو تعالی - شب ۲۵ شهر محرم الحرام ۱۳۰۷ اودئیل در مراجعت از سفر فرنگستان سیم اعلیحضرت همایونی که سفر اول من به اروپا است تقریباً شش ساعت از شب می رود و در چادر خودم که واقع در باغ شمال تبریز است این مختصر را محض یادداشت می نویسم. دو روز به اول

ماه میزان مانده و هوای تبریز روزها اندکی گرم و شب در کمال اعتدال است. سرشب است که وارد تبریز شده‌ایم و پس فردا حرکت خواهد شد.

در این سه شب توقف هیچ شب نشده که شام راحتی در منزل بخورم و با کمال خستگی که از این سفر هفت ماهه حاصل است روزگار مجال نمی‌دهد که یک شب در منزل راحت کنم.

شب اول ورود به اتفاق آقای امین خلوت<sup>۱</sup> منزل مغرور میرزا<sup>۲</sup> ناظر سرکار و لیعهد شام صرف شد و شب دوم منزل میرزا محمدعلی خان عموزاده<sup>۳</sup> شامی خوردیم. اشخاصی که آنجا بودند نصره السلطنه دائی حضرت و لیعهد، خانبا باخان که از اقوام حاجی محمدخان شکوه السلطنه است، مغرور میرزا ناظر، دارا پسر دارای مرحوم و برادرش، جناب امین خلوت، عبدالحسین خان، حیدرعلی خان، میرزا محمدعلی خان صاحب خانه بود و میرزا ابوتراب خان کاشانی<sup>۴</sup>.

امشب هم شام را در خدمت حضرت آقای امین السلطان وزیر اعظم صرف نمودم و آنجا قبل از شام صاحب جمع و معزالملک که ناظم میران سابق آذربایجان دائی حضرت امین السلطان باشد و پسر معزالملک بودند. بعد عزیزخان و شیخ الاطبا و دبیرالملک نویسنده خط آذربایجان و غیره آمدند. اشخاصی که سر شام حاضر بودند غیر از دائی و پسر دائی شام خوردند. بعد از شام اجزای مجلس حضرت اجل شیخ الاطبا و دبیرالملک و بنده بودیم و بس. ابتدا صحبت از فرنگستان و تمجیدات آن سامان بود. در این باب خیلی صحبت شد و معلوم شد سلیقه حضرت اجل خیلی خوب و بهتر شده است و از کراهِت قدیم به فرنگستان با لمره خارج و مراتب ترقی و علوم و صنایع و مهربانی و انسانیت آنها را درست استحضار حاصل فرموده‌اند و بعد کم‌کم صحبت سلطان مسعود و عزل او به میان آمد.

بعضی حکایتهای تاریخی شنیدیم که لازم است بنویسم و یادداشت نمایم بعون الله تعالی که این کتابچه همواره از دیدار مردمان غیر امین محفوظ و محروس بماند. بحق محمد و آله الامجاد (ص).

علت عزل او چند فقره است: اولاً ظلم زیاد بی اندازه که تا حال هیچ جابر و ظالمی این نوع حرکت نکرده است. ثانیاً ندادن اقساط ولایات و صرف خرج زیاد خاصه دو بیست و چهل هزار تومان فاضل حساب که به فحش و ناحسابی که مستوفیها کتابچه را مهر کرده و از شاه گرفته است

۱. غلامحسین خان غفاری که بعدها ملقب به صاحب اختیار شد.

۲. موثق الدوله

۳. مصدق الدوله غفاری

۴. غفاری نقاش معروف





عزل السلطان

و این فقره زیادتر اسباب درد دل و جراحت باطنی خاطر شاهانه شده، ثالثاً خواستن سندی در باب ریاست مستقلة خودش. بعد از این وضع که یا سند بدهد یا نزد سفرا اقرار نماید و در اصرار این مقدمه می گوید که مقصود مسعود حاصل نشود از کار استعفا می کند و می گوید شش ماه قبل از اینها در سفر و حضر خیلی کنکاش عزل او بوده و جرئت اقدام نبوده است و بعد اطمینانی که وزیر... (ناخوانا) داده است. ولی باطناً باید دانست که اصرار زیاد از... (ناخوانا) بوده است و وزیر هم خیلی راغب بوده است تا در همان سنه که آمد به دارالخلافه و اصرار شد بعدرد نمود و هر چه گفتند نشنید. به این مضمون کاغذی نوشت که بعد از ممات تو مظفر چشم من را بیرون می آورد. البته سندی بده که در دست باشد. لهذا حکم می شود که وزیر در چند ساعتی شب به منزل مسعود برود و بگوید اصرار شما در استعفا پذیرفته شد و حالا لازم است که واقعه امشب تا فردا را به شرح بنویسم.

این شخص می گوید شب بود به خانه او رفتم. در آخر عمارت که از بیست اوطاق می گذشت اوطاق کوچکی بود آنجا نشسته بود. همین که وارد شدم و صحبت داشتم کم کم حرف از مقدمه

قبول استعفا و عزل و انزوا به میان آمد. گمان تهدید و تحویل نمود که شاید می‌خواهم او را تهدید و تخویف نمایم که دست از اصرار آن فقره بردارد. گفت با شوخی بکشید که گفتن این حرفها خوب نیست و مثل من دیگر کسی به دست شما نمی‌آید. چون قدری گذشت و دید من جدانه حرف می‌زنم یک دفعه رنگ او پرید و به نوکرهای خود گفت که در تمام اوطاقها را ببندید و سراج الملک و مشیرالملک را احضار نمود که بیائید توی اطاق بنشینید و بشنوید چه صحبت می‌شود و درها را محکم بستند و اوطاق کوچک که ماها نشسته بودیم درب آن اوطاق هم از تو بسته شد و شروع به گفتگو کردیم.

اوایل در حرف قدری سخت بود. ولی همین که دید من صراحتاً اعلان عزل او را می‌کنم رنگ او جسته شد و کمی خود را به عقب می‌کشید که من بطور بلند حرف می‌زدم و به دلایل و براهین صحبت می‌کردم که عزل شما واجب است و مخصوصاً این حرف را به او زدم که خاطر دارید در ایام سابق هر چه به شما می‌گفتم جواب ندادید که پدر من قادر عاجزست، ولی باید شخص عاقل از این قادر عاجز همه وقت ملاحظه داشته باشد که به یک کلمه حرف این طور کار را تمام می‌کند و می‌گوید که جای عجب این است که به فاصله اندکی ازین صحبتها که مطمئن به عزل خود شد بنای گریه و زاری و سوگواری را گذاشت و سر خود را بی اختیار به دیوار و در می‌زد و التماس می‌کرد و بدترین فحشها را به خودش می‌داد و ندامت بی اندازه داشت.

به او گفتم نه ساعت قبل از این هر قدر گفتم دست از استعفا و حرفهای بی معنی بکشید نکشیدید و آن طور سختی می‌کردید و فحش صریح دادید به هر کس که شما را نصیحت کند و حالا این طور عجز و الحاح می‌کنید. در صورتی که دیگر چاره و علاچی ندارد.

خلاصه خیلی حرف و صحبت داشتند که نمی‌توان نوشت و فرصت ندارم. ولی می‌گفتند که من را تا ساعت شش از شب رفته نگاه داشت و هر وقت می‌خواستم بروم به ارواح مادرم و به سر حاجی میرزا سیدعلی آقای معروف قسم می‌داد تا بالاخره گفتم شاید بروم و اصلاحی کنم و به این وسیله خواستم از سر او خلاص شوم که دست از من بردارد. با کمال نوحه و ندبه برخاست و این شخص محترم می‌گوید که از عقب من اوطاق به اوطاق می‌آید و ناله و گریه می‌کرد و آه می‌کشید و می‌گفت که به من غریب<sup>۱</sup> رحم کنید و من به خاطر می‌آوردم عجب و تکبر و اقتداری که چند ساعت قبل او داشت و به قدرت خدای تعالی عجب می‌کردم در ظرف این مدت قلیل چه کار کرده است و بقدری خوشحال بودم که چندین کرور نفس از زحمت و مرارت او آسوده شده‌اند.

هر چه خواستم تدارک شامی کنم دست نداد، به ناچاری خوابیدم. صبح زود در خواب بودم که گل محمد دیدم من را صدا می‌کند و از خواب بیدار کرده. بی‌اندازه متغیر شدم که چه کار دارد. ولی می‌دانستم که او جز در امور خیلی بزرگ اجازه ندارد من را بیدار کند و سرزده به اندرون بیاید. جواب دادم چه می‌گویی گفت سراج الملک آمده است و به قدری گریه می‌کند که ناچار شدم شما را بیدار کنم و عرضش این است که شاهزاده می‌گوید هر گاه تا نیم ساعت دیگر اینجا نیائید من قطعاً می‌میرم. ناچار برخاستم و بیرون رفتم و با اینکه این مرد را این قدر (دنباله نوشته نشده است)

### ۵۹۶ - چاپ اشعار توللی

هم شنیدم و هم خواندم که مجموعه‌ای از اشعار چاپ نشده شادروان فریدون توللی در شیراز نشر خواهد شد. چون آن مرحوم طی دو فقره مرقومه مرا مکلف کرده بود نسبت به نشر آثارش نظارتی داشته باشم و از انتشار کتاب کنونی بیخبر مانده‌ام این چند کلمه برای آن نگاشته می‌شود تا تصور مسؤلیتی برای من نرود. عکس نامه‌های آن مرحوم در مجله آینده (پس از فوت او) چاپ شده است. اگر مورد رضایت توللی باشد درست است.

### ۵۹۷ - نفوذ حافظ

از چند سال قبل که فهرست کتابهای تازه چاپ در روزنامه «کتاب هفته» چاپ می‌شود در هر شماره دیده‌ام که همه هفته چند چاپ از دیوان حافظ به اشکال و صور مختلف به چاپ می‌رسد. ولی هیچگاه پیش نیامد که آماری عرضه شود.

به تازگی دیدم خانم الهام کرمی‌زاده به عنوان «کارنامه حافظ پژوهی ۷۹» در دفتر چهارم حافظ پژوهی (شیراز، ۱۳۸۰) بدین کار پرداخته و معین کرده است که در سال مذکور ۱۶۴ چاپ از حافظ جمعاً به تعداد ۸۰۵۱۵۰ نسخه انتشار یافته است. ازین شمار، تعداد شصت عنوان چاپهای اول کتابهایی است که ناشرانش برای بار اول انتشار داده‌اند. عدد ۱۶۴ گویاست که در هر هفته کاری چهار نوع دیوان حافظ انتشار یافته است و نفوذ کلام حافظ در جامعه مشخص می‌شود.

### یادداشت مرتضی ممیز

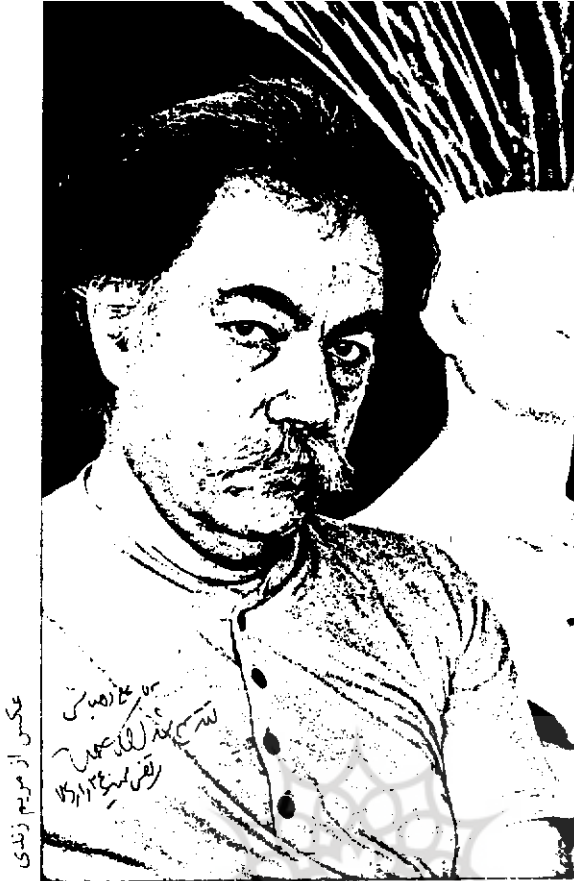
دوست گرامی جناب آقای افشار

در شماره گذشته مجله بخارا در بخش «تازه‌ها و پاره‌های ایرانشناسی» طراحی کلمه‌ای لایقاً

و زشتی را مثال آورده بودید و در کنار این زشتی و بی‌سوادی یادی هم از بنده کرده بودید. در حالی که اگر به تاریخچه چنین ارتکاباتی اشاره می‌فرمودید منشأ آب گل آلود برای عموم روشن‌تر می‌شد و بانیان شکستن تخم لق شناخته می‌شدند. همانطور که می‌دانید وقتی هنرکده دیروز و دانشکده هنرهای زیبای امروز تأسیس شد چون اساتید اولیه رشته معماری آن اکثراً مهندسی فوانسوی بودند دانشجویان آنها توضیحات طرحهای خود را بزبان فرانسه روی نقشه‌هایشان می‌نوشتند تا اساتید آسانتر پی به کار دانشجویان ببرند و فرانسه نوشتن کم‌کم در آنجا سنتی شد و حتی تا مدتها بعد که اساتید فرانسوی به کشورشان برگشته بودند و جایشان را اساتید ایرانی گرفتند رسم بفرانسه نوشتن و لغات و اصطلاحات فنی حرفه و هنر هم چنان پا بر جا ماند و بعدها بتدریج فرانسه‌نویسی بفارسی نویسی تبدیل گردید اما با ریخت و قیافه‌ای بظاهر فرنگی. از طرفی دیگر چون طراحی حروف هنر و کاری ناشناخته بود و تعداد قلمهای چاپی رایج هم بسیار اندک و با بی‌سلیقگی در نشریات و مطبوعات بکار گرفته می‌شد دانشجویان نیز با خیال مدرنیزه کردن قلم ولی با ناآگاهی و سرخورد دست به طراحی حروفی برای توضیحات نقشه‌های خود زدند که از شیوه‌های قلم حروف لاتین تقلید ناشیانه‌ای شده بود. این شیوه‌های کج و معوج فارسی فرنگی نما و من در آوردی که هیچگاه هم مورد نقد و بررسی فنی قرار نگرفت کم‌کم باب طبع مقلدین دگرجوی متعددی قرار گرفت و انواع مشابه آنها روی تابلوی مغازه‌ها و در طرح عناوین مجلات و نشانه‌ها و خیلی چیزهای دیگر ظاهر شد و تمام سلايق کج را بخود جلب کرد و متأسفانه تا امروز هم دوام آورده است و مشاهده می‌فرمایید که اکنون طراحان بی‌سوادى حتى با چنین شیوه‌های سخت ناموزونی نمونه‌های حروف و به اصطلاح فونت‌های کامپیوتری فراوانی را طراحی می‌کنند و به بازار کار می‌فرستند با توجه به این که امروزه هر طفل مکتب نرفته‌ای با وسیله بی‌نظیر و آسان کامپیوتر تصور می‌کند که می‌تواند طراح گرافیک هم باشد و چون بی‌سواد و کم‌دان هم هست؛ براساس «کم‌دان خطرناک‌تر از نادان است» نمونه‌های فجیعی را که جناب عالی در مجله بخارا مورد اشاره قرار دادید مطرح می‌کند. هم چنان که در طرز فارسی نویسی‌های جدید و همه ابتکارات نوکیسه‌گی نیز چنین سلیقه‌هایی اغلب مشاهده می‌شود.

بنده در سال ۱۳۶۲ در مطلبی در ابتدای کتابی از نشانه‌هایی را که طراحی و چاپ کرده بودم بطور مفصل چند و چون کار طراحی نشانه را توضیح داده‌ام و در بخشی راجع بطراحی «نشانه نوشته» راه کار را مطرح کرده بودم و در پایان عرایض نظرتان را به آن قسمت جلب می‌کنم:

«... استفاده از خوشنویسی در طراحی «نشانه» نیز خود نکات خاصی را طلب می‌کند.



عکس از مریم زندی

مرغی میبیز

همانطور که قبلاً گفته شد در گذشته استادان خوشنویس ما کلمات و نامها را بشیوهی طغری، مثنی، بنایی و یا نستعلیق شکسته طوری می نوشتند که تبدیل بنوعی «نشانه نوشته یا Logotype» می شد.

امروز نیز ما می توانیم از این روشهای زیبای سنتی و منطقی استفاده کنیم و طی تجربیاتی که در این زمینه می کردم به مسئله ای برخوردیم که جا دارد آنرا در اینجا بررسی کنم. در این گونه نشانه نوشته ها اگر طراح دستی در خوشنویسی ندارد بطور طبیعی همکاریش با خوشنویسان الزامی است زیرا اصول کار طراحی باید براساس شیوه خوشنویسی باشد. خطوط تزینی فراوانی در جامعه ما طراحی شده است که کاملاً فاقد اصول خوشنویسی و زیبایی های خط فارسی است. حتی خطوط تزینی که از الگوهای لاتین استفاده شده است نیز فاقد ابعاد فنی خط لاتین است و این امر ناشی از ناآگاهی طراحان این نوع خطوط از اصول و زیبایی های فنی خط لاتین است. جای بحث درباره پیدایی و علل ترویج این شیوه ها در اینجا نیست؛ آنچه باید در اینجا مطرح شود این نکته است که میزان تبعیت طراح از اصول خوشنویسی تا کجا است؟

برای تعیین و درک این حدود باید بازبگذشته و تجربیات اساتید خوشنویس مراجعه کرد و ملاحظه می کنیم در نمونه های طغری، مثنی و شکسته نویسی و بخصوص در خط بنایی استادان

بخود اجازه می‌دادند از ترکیب بندیها و قواعد خوشنویسی به آن حد عدول کنند که نتیجه، خود، اثری بدیع و جدید شود و سبب ایجاد سنت تازه‌ای گردد. بنظر من طراحان امروزی نیز بشرط آن که از پختگی دید و تجربه و شناخت کیفی اقلام خوشنویسی بحد کافی بهره‌مند باشند می‌توانند نوشته‌ی خوشنویسی را با این روال ساده‌تر و یا با ترکیب‌بندی دیگر مطرح کنند. گاه می‌توان با ساده کردن خوشنویسی بقلمی جدید و با ماهیت تازه‌ای دست یافت و این امر مخدوش کردن و یا تجاوز بحیطه و اصول خوشنویسی نیست بلکه تبدیل خوشنویسی به طراحی «Design» و نقش است. در غرب نیز طراحان گرافیک تجربیات فراوانی در خوشنویسی خود کرده‌اند که انواع نشانه نوشته‌های زیبای ایشان نمونه‌هایی آنها هستند.»

با احترام مرتضی ممیز



### انتشارات کومش از دکتر عبدالرفیع حقیقت منتشر کرده است

- ۱- تقویم تاریخ سیاسی ایران از آغاز تاریخ تا پایان دوره پهلوی
- ۲- شهیدان قلم و اندیشه شامل شرح احوال ۴۶ تن شهیدانی که در راه قلم و اندیشه به شهادت رسیده‌اند
- ۳- نقش ایرانیان در تاریخ تمدن جهان
- ۴- شناسنامه آثار تاریخی کومش، استان سمنان (شامل شهرستانهای سمنان، دامغان، شاهرود، گرمسار)
- ۵- سهروردی شهید فرهنگ ملی ایران (مجموعه مطالعات فرهنگی)
- ۶- تاریخ جنبشهای مذهبی در ایران (از کهن‌ترین زمان تاریخی تا عصر حاضر) در ۴ مجلد
- ۷- فرهنگ تاریخی و جغرافیائی شهرستانهای ایران
- ۸- نگین سخن (شامل شیواترین آثار منظوم ادبیات پارسی) جلد دهم
- ۹- سیری در اندیشه انسان سالاری در ایران
- ۱۰- تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (از بایزید بسطامی تا نورعلیشاه گنابادی)

مرکز پخش: تهران مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات تلفن: ۱۹- ۸۷۹۴۲۱۸